

از: دکتر سیدجعفر سجادی

# سهم ایرانیان در پایه گذاری فرهنگ تمدن اسلامی

(۲)

## منطق:

### اخوان الصفا:

میدانیم که مردم ایران با وجود تغییر خلافت و سرکز حکمرانی خلافت اسلام به بغداد و برگزیدن عده‌ای از افراد دانشمند ایرانی نژاد به وزارت و اسارت، بازهم از اوضاع ناهنجار بغداد و خفت‌هایی که اعراب نسبت بایرانیان معمول میداشتند، ناراضی بودند و بدین جهت جمعیه‌هایی پراکنده در اطراف و نواحی ایران علیه حکومت بغداد تشکیل میشد. این جمعیت‌ها بطرق مختلف بمنظور واژگون کردن حکومت و تشکیل حکومت‌های مستقل ایرانی فعالیت میکردند

بویژه که دستگاه خلافت از روح و حقیقت اسلام تا حدود زیادی دور شده بود و اعمال و رفتار عمال دولتی و حتی دربار خلافت اسلامی از ارتکاب هیچ منکری روگردان نبودند.

بطوریکه از منابع تاریخی و از خلال کلمات اخوان الصفا مستفاد میشود: اینان که مردمی دانشمند بودند و خود مفسد خلافت را بهتر از مردم عادی تشخیص میدادند بنای کار خود را بر مخالفت و واژگون کردن حکومت بغداد گذاردند.

این جمع در قسمتهای مختلف معارف اسلامی مسائل و کتابها نوشتند و بطور قطع سهم غیرقابل انکاری و مهم در بنیان گذاری تمدن اسلامی دارند. در فن منطق نیز علاوه بر شرح و تفسیر اصول ارسطو و افلاطون و فیثاغورسها و افلاطونیان جدید، آراء و



بعدها بصورت وجودعینی ، ذهنی و لفظی درآید .

در مبحث الفاظ بحث مفصلی از اسم و مسمی و تسمیه شده است .

الفاظ مورد استعمال فلاسفه شش دسته‌اند . سه دسته از آنها که دلالت بر ذوات دارند و موصوفند و سه دسته دیگر دلالت برمعانی دارند و اوصافند .

صورت‌های اشیاء همه در ذهن و نفس کلی‌اند و آنچه در ماده و هیولای خارجی است جزئی است (۲)

علم عبارت از صورت معلوم است در نفس عالم و صنعت عبارت از اخراج همین صورت است که در نفس صانع است و جایگزین کردن آن در ماده و هیولی .

نفس علماء بالفعل علامه‌اند و نفس دانشجویان بالقوه علامه‌اند . تعلیم عبارت از اخراج چیزی است که بالقوه است درجهان فعلیت و این همان بیان سقراط است که گوید : «من افکار را میزایانم» (۳)

- ۱ - رجوع شود به‌تتمه صوان الحکمه ص ۲۶۵ - ۱۹۲ کشف الظنون ج ۲ ص ۵۴۱
- ۲ - رجوع شود به رسائل اخوان الصفا چاپ بیروت ۱۳۷۶ ص ۲۹۰ - ۳۳۹
- ۳ - رجوع شود به رسائل اخوان ص ۳۹۵ - ۳۹۹
- ۴ - رجوع شود به رسائل اخوان ص ۳۹۸ - ۴۰۰

عقاید آنان را با اصول مذهب و مسائل دینی توأم کردند ، بعضی‌گویند مصنفین اخوان‌الصفا عبارتند از «ابوسلیمان محمدبن معشریستی» معروف بمقدسی ، «ابوالحسن علی بن هارون زنجانی» ، «ابواحمدالمهرجانی» ، «ابوالحسن علی بن رامیناس العوفی» و «زیاربن رفاعه» (۱) .

اینان درمورد منطق آراء و عقایدجالبی دارند بدین ترتیب که اولاً فن منطق را جزء ریاضیات بحساب آورده‌اند و ثانیاً منطق را از نظرکلی بدویخش کرده‌اند: یکی منطق لفظی و دیگری منطق فلسفی . منظور آنها از منطق لفظی همان مباحث مربوط به معانی و بیان و مبحث الفاظ منطق است؛ علم بلاغت و فصاحت از نظر آنان منطق محسوب میشود . خطابه و جدل و سفسطه نیز منطق لفظی است . اینان در طبقه‌بندی علوم روش جالبی دارند بدین طریق که گویند علوم حکمی برچهار نوع‌اند :

- ۱ - ریاضیات ۲ - منطقیات ۳ - طبیعیات ۴ - الهیات .
- ریاضیات دارای شعبی است مانند: «نجوم» ، «موسیقی» ، «هیأت» ، «هندسه» ، «منطق» و اقسام آن .
- طبیعیات فروعی دارد مانند : « السماء والعالم» ، «الکون والفساد» آثار علوی معاون «تهذیب النفس» (۲) .
- اینان وجود را نیز سه نوع تقسیم کرده‌اند: «فکری» ، «لفظی» ، «خطی» وهریک‌را بطور تفصیل شرح داده‌اند و همین تقسیم





کرده‌اند و بالجمله این جمع را نیز باید از بنیان‌گذاران بنای کاخ عظیم دانش اسلامی دانست از جمله :

۱ - ابو زکریا یحیی بن عدی مترجم سوفسطیقای ارسطو از سریانی به عربی (متولد ۳۶۴)

۲ - ابوشرمتی استاد فارابی (متولد ۳۲۸) که گذشت. مترجم کتاب شعر و ترجمه آنالوطیقای ثانی ارسطو.

۳ - ابوعلی زرعه (متولد ۳۹۸) مترجم سوفسطیقای ارسطو از سریانی به عربی.

۴ - ابوالخیرین خمار حسن بن سوارین

مهران (۳۳۱ - ۴۰۸) از نصرانیان ایرانست، که نسخه‌ای از منطقیات ارسطو را بترجمه‌های مختلف برای خود ترتیب داد و توضیحاتی بر آن افزود و علاوه بر آن تعدادی از کتب فلسفی یونانی را بعربی ترجمه کرده

است.  
۵ - ابوالعباس احمد بن محمد السرخسی (متولد ۳۴۶) منجم و طبیب و بنا بر روایتی در منطق دستی داشته است.

۶ - ابوزید احمد بن سهل بلخی. اساس کار وی کلام و تلفیق شریعت با منطق بوده است. (متوفی ۳۲۲)

۷ - ایرانشهری استاد رازی (متوفی ۲۵۱) شرح و آثار وی بدرستی معلوم نیست.

اخوان الصفا با آنکه منطق را از شعب ریاضیات میدانند در بعضی از موارد جنبه ذوقی خاص بدان داده‌اند. البته این نکته قابل ذکر است که بخش منطق لفظی را نمیتوان از مباحث ریاضیات دانست.

در وجه احتیاج مردم به منطق گویند: بعضی از نفوس در مقام شدت صفائد و برخی در وضع غیر مصفائد.

نفوس صافیه را نیازی بمنطق نیست (۱) هیولی و صورت را از جمله جواهر روحانی میدانند.

مهمترین مباحث منطقیات آنها بحث در طریق تحلیل و قیاس و حدود برهانست و اغلب در تطبیق مسائل منطقی با مثال از مسائل ریاضی استفاده شده است (۲)

## مترجمین و شراح منطق

### در قرن چهارم و پنجم هجری

در قرن چهارم هجری نیز عده‌ای از دانشمندان در رشته‌های مختلف علوم ترجمه‌هائی کردند که بدنبال مترجمین قبلی باید محسوب شوند. بعضی از این عده از شاگردان مکتب استادان بزرگ صدر اول و مترجمان اولیه علوم یونان میباشند، عده‌ای قسمتی از کارهای دیگران را شرح و تفسیر

۱ - رجوع شود بر مسائل اخوان ج ۲ ص ۴۳

۲ - رجوع شود بر مسائل اخوان ج ۲ ص ۴۲۰



موجود است» گوید :

اینگونه قضایا درحقیقت بلامحمولند زیرا «موجود» از محمولات خاص نیست همچنانکه شیثیت . وی در مورد امور متضاده مانند «بیاض و سواد» بحثی مستوفی دارد مبنی بر آنکه آیا امور متضاده هر یک عدم دیگریست یا نه<sup>۱</sup> وی گوید: «افلاطون هندسه را مقدمه فلسفه داند و یقراط «طب» و برخی دیگر «منطق» را مقدمه فلسفه میدانند وعده‌ای دیگر «اخلاق» را بدانجهت که ابتدا باید اخلاق اصلاح شود سپس نفس ناطقه. در مورد برهان گوید :  
براهین معمول در علوم بر دو نوع است : یکی برهان هندسی و دیگری برهان منطقی و برهان هندسی مقدم بر برهان منطقی است .

ولکن هر دو نوع برهان مریب اندیشه‌اند. در مورد رؤس ثمانیه شرحی مستوفی دارد . در مسائل عیون المسائل نیز قسمت مهمی از مباحث الفاظ را مطرح کرده است و مبحث تصورات و تصدیقات را با دقت خاص مورد بحث و بررسی قرار داده و مابین تصورات تامه و تصورات ناقصه امتیازی گذارده است. در رساله جمع بین آراء افلاطون و ارسطو آمده است : که ارسطو منطق را بدون کرد و فارابی آنرا خلاصه کرد و شیخ الرئیس شرح و بسط داد .

دیگر از رسائل فارابی رساله ایست که تنها در بیان و تفسیر الفاظ مستعمل در کتب

## حکما و منطقیان بزرگ ایران در قرن چهارم و پنجم

۱- **فارابی** : وی یعنی ابونصر محمد بن محمد الفارابی بعد از زکریای رازی از بزرگترین فلاسفه اسلام و ایرانست. در فلسفه پیرو ارسطو است و در میان پیروان ارسطوکار این حکیم خصوصیتی دگر دارد. زیرا او با آنکه کتابهای ارسطو را شرح کرده است و از روش او منحرف نگردیده است در فصول منطق کلیاتی آورده است و در کتاب «المختصر الصغیر فی المنطق علی الطریقه المتکلمین» از روش متکلمان جانب‌داری کرده است و میان منطق ارسطو و نظر آنان آشتی داده است. از شاهکارهای وی در این زمینه کتاب «زینون الکبیر» است که در آن با ساده‌ترین راهی مسائل منطقی را شرح کرده است و بالجمله وی در توضیح و تفسیر مسائل منطقی ابتکاری دارد .

در رسائل متفرقه خود مسائلی از فن منطق را مطرح میکنند که میتوان آنرا مدخل منطق دانست. وی اجزاء محموله را در این کتاب هفت تا نامیده است که «جنس»، «فصل»، «حد»، «رسم»، «ماهیت» و «عرض خاصه عرض عامه» باشد و این هفت امر را اساس محمولات در قضایا میدانند .

در مورد قضیه حملیه بحمل اولی «انسان

(۱) رجوع نمود بر مسائل متفرقه فارابی  
ص ۹۲۸ ، ۱۱ - رجوع شود به عیون المسائل.



وی در تمام علوم کمال داشت مقولات  
ارسطو را تفسیر کرد و کتابهای دیگر نوشته  
است که در دست نیست .

۶ - «ابن هند و ابوالفرج علی بن الحسین»  
رساله‌ای در مدخل فلسفه نوشته است و رسائلی  
چند در علم نفس و جز آن (۳)

۷ - شیخ الرئیس ابن سینا : «حسین ابن  
عبدالله» (متوفی ۳۷۰) فیلسوف و طبیب مشهور  
ایران و اسلام است . وی علاوه بر طب بطور  
قطع در علوم فلسفی یکی از نوایغ بشریت  
است . در علوم عقلی پیرو مشاء است . معذک  
ذوق عرفانی خاصی دارد که در کتاب اشارات  
و بعضی از رسائل دیگرش نمودار است .  
در فلسفه و منطق کتابها و رسائل متعددی  
نوشته است . از جمله کتب منطق وی :

- ۱ - منطق اشارات و تنبیهات .
- ۲ - منطق التعلیقات یا نجات .
- ۳ - الحکمه المشرقیه که منطق آن در  
دست است .
- ۴ - منطقیات کتاب شفا که بزرگترین  
کتب منطقی است .

(۱) رجوع شود به رساله فارابی در بیان و  
تفسیر الفاظ مستعمل در کتب منطقی چاپ  
بیروت ۱۹۸۶ م  
(۲) رجوع شود به الفهرست چاپ تهران  
ص ۳۶۹ .  
(۳) رجوع شود به تاریخ ادبیات دکتر  
صفا ج ۱ و تاریخ علوم عقلی .

منطقی است .

۱ - در این کتاب اصناف دلالت  
«اصناف حروف»، «الفاظ مرکبه»، «اصناف معانی  
کلمه»، «معانی کلی مفرده»، «اصناف معانی  
کلیه مرکبه»، «قسمت و ترکیب»، «انحاء  
تعلیم» و آنچه طالب منطق باید بداند و «صناعات  
منطقی را مطرح کرده است» .

اهمیت فارابی در شروحي است که بر  
ارسطو نوشته است و بدین جهت او را معلم  
ثانی گفته اند .

وی تقریباً تمام کتب منطقی «ارسطو» را  
شرح کرده است با اضافه مدخل «فرفوریوس صوری»  
وی ردی بر «رازی» نوشته است و او را از عقاید  
فلسفی بدور دانسته است .

۲ - ابوزکریا «یحیی بن عدی المنطقی» :  
از مسیحیان یعقوبی و از شاگردان فارابی  
است (متوفی ۳۶۴) وی کتاب و رسائلی در  
فلسفه و منطق نوشت .

۳ - ابوسلیمان منطقی : «محمد بن طاهر بن  
مهران منطقی سجستانی» (متوفی ۳۹۱) فیلسوف  
و منطقی بزرگ است (۲)

۴ - «ابوحیان توحیدی» : «محمد العباس»  
(متوفی ۴۰۰) است بسال ۳۱۲ متولد شد .  
وی در علوم عصر خود تبحر کامل داشت  
منطق و نحو را بهم آمیخت و اقوال مختلف  
نحویان و منطقیان و ادبا را در آثار خود گرد  
آورد .

۵ - ابوالفرج عبدالله بن الطیب (متوفی  
۴۳۵) .



۵ - منطق عیون الحکمه.

۶ - المباحثات که برخی از مسائل منطقی را هم دارد.

درباره منطق مانند مباحث فلسفه شیخ طوری نموده است که خود مستقل برای است و مباحث را بطور مستوفی از تمام جهات مورد بحث و شرح قرار میدهد.

وی در منطقیات ابتدا علوم را طبقه‌بندی میکند و مقالت اول از کتاب را در این خصوص قرار داده است (۱)

وی ابتدا منطق را در نه فن تقسیم‌بندی کرده است و برحسب حصر عقلی علوم را طبقه‌بندی نموده است و بدین ترتیب گوید:

علوم کلا عبارتند از: ۱ - علوم طبیعی ۲ - ریاضی ۳ - الهی یا فلسفه نظری ۴ - علوم سیاست یا تدبیر منزل ۵ - علم اخلاق (۲)

در منطق المشرقین ابتدا علوم را بدو قسمت اصلی و فرعی کرده است و علوم فرعی را عبارت از «طب»، «فلاحت»، «نجوم» و صنعت‌های دیگر میدانند. و علوم اصلی را نیز دو قسمت میکنند یکی امور مربوط به عالم که فلسفه است و در این باب منطق را آلت آن میدانند. و قسمت دیگر علوم اصلی را به علوم عملی و نظری تقسیم کرده است و هریک را نیز باقاسمی تقسیم کرده است (۳) در رساله دیگری که در حدود و تعاریف است اصطلاحات مختلف را توضیح داده است و شاید این کار

را بتقلید از «ابونصر فارابی» انجام داده باشد. در این رساله اصطلاحات فلسفه را کلی و بطور اختصار تعریف کرده است (۴)

از شیخ رساله دیگری در تقسیم علوم بچاپ رسیده است که در این رساله علوم عقلی را ابتدا دو قسمت کرده است: نظری و عملی و اقسام هریک را برشمرده است.

اول اقسام حکمت اصلی طبیعی را شمرده است و بعد اقسام حکمت فرعی طبیعی را ذکر کرده است و بالاخره حکمت ریاضی را هم باصطلاح و فرعی آنرا برشمرده است و همین‌طور حکمت الهی را باصطلاح و فرعی تقسیم کرده است و سرانجام ابواب و اقسام نه‌گانه منطق را ذکر کرده است.

از این‌گونه تقسیم در علوم چنانکه بعداً خواهیم دید «قطب‌الدین شیرازی» در کتاب:

(۱) رجوع شود به کتاب الخطاب به در مقدمه مذکور چاپ مصر ۱۹۵۴ ص ۸۰۲ و رجوع شود به بحث منطق اشارات در باب تصور و تصدیق.

(۲) رجوع شود به المدخل الی المنطق چاپ مصر ۱۳۰۷.

(۳) رجوع شود به منطق المشرقین ص ۸۲، ۱۸، ۲۱، ۱۲

(۴) رجوع شود بر رساله حدود و تعاریف چاپ مصر ۱۳۲۶ ه و رساله در تقسیم علوم که جزء مجموعه در مصر در سال ۱۳۳۶ بچاپ رسیده است.





«دره التاج» بطوری کامل پیروی کرده است.

شیخ در منطقیات حکمت علانی چیزی زیادتر از منطق اشارات ندارد بلکه خلاصه از همان است. لکن در صناعات منطقیات شفا مباحث جالبی دارد بویژه در بابهای خطابه «مغالظه» شعرکه در توضیح مطالب و شرح مسائل دقت خاصی کرده است (۱)

در مقدمه حمی بن یقظان از منطق بعلم فراست تعبیر کرده است وی در کتاب عروضیه از روش ارسطو پیروی کرده است و باختصار همه اجزاء منطق را در آن آورده است و در کتاب شفا بطور مبسوط از آن بحث کرده است.

۳ - ابو عبیده عبدالواحدین محمد الجوزجانی شاگرد شیخ الرئیس است که تا آخر عمر با شیخ بوده و بعضی از کتب شیخ را مانند ریاضیات نجات و ریاضی و موسیقی دانشنامه کامل کرد.

۴ - بهمنیار: ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان از زردتشتیان آذربایجان است و کتاب المباحثات شیخ اغلب پاسخ به سئوالات وی است. او از شاگردان دانشمند شیخ است در سال ۴۵۸ هجری وفات یافت از آثار اوست کتاب التحصیل در منطق و فلسفه و کتابهای دیگری در فلسفه دارد که همه از کتب مهم و معتبر بوده است و سالها در مدارس علمی مورد تدریس و استفاده بود.

(۱) رجوع شود به منطقیات شفا چاپ معسر ۱۳۷۵ در مقدمه و رجوع شود به منطقیات حکمت علانی، چاپ تهران عده ای از دانشمندان معاصر شیخ الرئیس و اعصار نزدیک بدان، ابن سینا ۹۸۰-۱۰۳۷ م بهمنیار ۹۹۰-۱۰۵۰ م - غزالی ۱۰۶۹-۱۱۱۱ م ابن حزم ۹۹۴-۱۰۶۴ م ابن رشد ۱۱۳۶-۱۱۹۸ م - فخرالدین رازی ۱۱۴۹-۱۲۰۹ م - سهروردی - ۱۱۵۵-۱۰۷۰ م و ابن بطالان ۱۰۱۰ - ۱۰۷۰ م